

روزی حلال سنگ‌بنای سلامت معنوی خانواده

خدا را شکر می‌کنیم که در این بستر فرصتی داریم تا به اهمیت کسب روزی حلال بپردازیم؛ زیرا به دست آوردن روزی حلال از مهم‌ترین شاخصه‌های تأثیرگذار بر یک خانواده موفق است و اگر خدای ناکرده لقمه‌الوده یا حرام به محیط امین خانواده وارد شود، آثار سوء فراوانی بر جای خواهد گذاشت؛ چنان‌که خداوند متعال در آیه ۱۶۸ سوره بقره می‌فرماید: «خوردن مال حلال، ثمره‌اش تبعیت نکردن از وسوسه‌های شیطان است.»

این آیه شریف نه تنها بر اهمیت مصرف روزی حلال و پاکیزه تأکید می‌کند، بلکه هشدار می‌دهد که پیروی از راه‌های ناپاک و شیطانی در کسب رزق، دشمنی آشکار با انسان است. درواقع، لقمه حرام همچون سمی پنهان است که آرام‌آرام بنیان‌های اخلاقی، روانی و ایمانی خانواده را متزلزل می‌سازد.

در جامعه‌ای که افراد آن دغدغه روزی حلال دارند، اعتماد، آرامش و برکت در روابط خانوادگی و اجتماعی موج می‌زند. پدر یا مادری که با تلاش و صداقت، نان حلال بر سر سفره می‌گذارد، نه تنها جسم فرزندان خود را تغذیه می‌کند، بلکه روح آنان را نیز با نور صداقت و تقوا پرورش می‌دهد. ازسوی دیگر، ورود مال شبهه‌ناک یا حرام به زندگی، زمینه‌ساز اختلاف، اضطراب و حتی انحرافات اخلاقی در نسل آینده خواهد بود؛ چنان‌که در روایات آمده است لقمه حرام می‌تواند مانع اجابت دعا شود و قلب انسان را از نور ایمان تهی سازد.

پس چه نیکوست که این ستون روزنامه، باتکیه بر آموزه‌های قرآنی، به بازخوانی مفهوم روزی حلال بپردازد و مخاطبان را به تأملی عمیق در شیوه‌های کسب و مصرف خود دعوت کند؛ چراکه روزی حلال نه تنها یک انتخاب اقتصادی، بلکه یک تعهد اخلاقی و دینی است که آثار آن تا نسل‌ها باقی می‌ماند.

صحیفه سجاده

تربیت فرزند در پرتو دعای پدرانه امام‌سجاد(ع)

در روزگاری که دغدغه‌های تربیتی خانواده‌ها بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود، بازگشت به منابع اصیل دینی، می‌تواند راهگشای مسیر پرچالش پرورش نسل آینده باشد. یکی از این منابع گران‌سنگ، دعای بیست و پنجم صحیفه سجاده‌یه است؛ دعایی که امام‌سجاد(ع) در آن با زبانی پدرانه، الگویی جامع برای تربیت فرزند به تصویر می‌کشند. امام‌سجاد(ع) در این دعا، تربیت را نه صرفاً یک وظیفه فردی، بلکه مسئولیتی الهی می‌داند که بدون یاری خداوند به سرانجام نمی‌رسد. ایشان با لحنی سرشار از مهر و مسئولیت، از خداوند می‌خواهند: «وَ اصْبَحْ لِي أَبْنَاءَهُمْ وَ أَدْنَاءَهُمْ وَ اخْلَاقَهُمْ... وَ اعْنِي عَلَي تَرْبِيَّتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ؛ خداایا! بدن‌ها، دین و اخلاقتشان را برآیم به سلامت دار... و مراد تربیت و ادب‌آموزی شان، یاری فرما!»

این فراز، سه محور بنیادین تربیت را ترسیم می‌کند:

● سلامت جسمی:

جسم سالم، بستر رشد عقل و روح است. امام‌سجاد(ع) تربیت را از مراقبت بدنی آغاز می‌کنند.

● سلامت دینی:

دین‌داری، ستون هویت معنوی فرزند است. حضرت زین‌العابدین(ع) از خداوند می‌خواهند که فرزندانشان در مسیر ایمان استوار بمانند.

● سلامت اخلاقی:

اخلاق نیکو، ثمره تربیت موفق است. امام به جای تحمیل، از خداوند یاری می‌طلبند تا فرزندانشان را به ادب و فضیلت هدایت کند. در این نگاه، والدین فقط آموزگار نیستند، بلکه واسطه فیض الهی‌اند. آنان با دعا، رفتار و الگو بودن، فرزندانشان را در مسیر رشد انسانی و الهی، هدایت می‌کنند. تربیت، نه تنها یک وظیفه اجتماعی، بلکه عبادتی معنوی است که با اخلاص، صبر و توکل معنا می‌یابد.

دعای بیست و پنجم صحیفه سجاده‌یه، الگویی است برای تربیت مشارکتی، مسئولانه و معنوی؛ الگویی که خانواده را به مدرسه‌ای الهی بدل می‌سازد؛ جایی که فرزندان با عشق، ادب و معنویت بالنده می‌شوند. در روزگار بحران‌های تربیتی، بازخوانی این دعا، ضرورتی است برای بازسازی بنیان‌های اخلاقی جامعه.

احکام

وصیت به اهدای اعضا بعد از مرگ

یکی از موضوعات مبتلابه و مورد سؤال در جامعه ما، موضوع اهدای عضو است؛ اینکه افرادی برای ابراز حس انسان دوستی و حیات بخشیدن به دیگران، وصیت می‌کنند که اعضای آنان پس از مرگشان به افرادی که نیاز دارند، اهدا شود. در ادامه، سؤال و جوابی در همین راستا مطرح شده است.

● سؤال: علاقه‌مند هستم اعضای خود را هدیه کنم و از بدن من، بعد از مردن استفاده شود و تمایل خود را هم به اطلاع مسئولان رسانده‌ام. آنان نیز از من خواسته‌اند که آن را در وصیت‌نامه خود بنویسم و ورته را هم از خواست خود آگاه کنم، آیا چنین حقی را دارم؟

● سؤال: آیا اعضای میت برای پیوند به بدن شخص دیگر برای نجات جان او یا درمان بیماری وی اشکال ندارد و وصیت به این مطالب هم مانعی ندارد، مگر در اعضایی که برداشتن آن‌ها از بدن میت، موجب صدق عنوان مثله باشد یا عرفاً هتک حرمت میت، محسوب شود. (حضرت آیت‌ا...امام خامنه‌ای)

● بریدن عضوی از اندام مرده با وصیت او و پیوند دادن آن به شخص دیگر، هرگاه میت، مسلمان و یا در حکم مسلمان نباشد، باز مانعی ندارد؛ زیرا نجات یک انسان مسلمان موقوف به آن است، و اما در غیر این دو صورت، در نفوذ وصیت و در صحت آن و در جواز قطع عضوی از وی، اشکال هست اما به هر حال اگر طبق وصیت، عضوی بریده شد، برای قطع‌کننده آن، دیه واجب نمی‌شود. (آیت‌ا...سبستانی)

● وصیت به این کار اشکالی ندارد و چنانچه نجات جان مسلمانی یا حفظ عضو مهمی از مسلمانی، متوقف بر پیوند باشد، می‌توان به آن وصیت عمل کرد. (آیت‌ا...مکارم شیرازی)

شکر

۲۳شنبه

۹ جمادی‌الثانی ۱۴۰۴
شماره: ۲۲۷۷

۱۴



مهر



درس‌های تمدنی از ماجرای فاطمیه در گفت و گو با حجت‌الاسلام و المسلمین باقری‌کیا

وقتی بی تفاوتی مردم مسیر تاریخ را عوض می‌کند

گفت‌وگو

علیرضا وکیلی| ایام فاطمیه فرصتی است برای بازنگری و تفکر مجدد در یکی از رخداد‌های مهم و تأثیرگذار تاریخ اسلام. بازخوانی ماجرای فاطمیه، نه صرفاً یادآوری یک اندوه تاریخی، بلکه واکاوی زیربنایی اعتقادات شیعی و سرمنشأ بسیاری از تحولات بعدی جهان اسلام است. آنچه در این روزهای بزرگ اهمیت می‌یابد، شناخت عوامل انحراف امت، درس گرفتن از روند ظلم و مظلومیت و آشکار شدن جایگاه بی‌مانند شخصیت محوری این واقعه در ساختار امامت، ولایت و حتی تکوین هستی است. در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین باقری‌کیا، استاد سطوح عالی حوزه علمیه خراسان، تلاش کرده‌ایم پیام‌ها و ابعاد فاطمیه را بدون ورود به حواشی و با تکیه بر تحلیلی عمیق، واکاوی کنیم تا خواننده به تصویری شفاف و کاربردی از این مقطع تاریخ اسلام دست یابد.

تغییر مسیر جامعه اسلامی از خط هدایت

روزهای سرنوشت‌ساز تاریخ اسلام، منحصر به واقعه هجرت، بعثت یا رحلت پیامبر(ص) نمی‌شود، بلکه حادثه فاطمیه، نقطه عطفی است که باید هر ساله بازخوانی شود. ماجرای فاطمیه صرفاً موضوع از دست دادن سرور زنان اهل بهشت نیست، بلکه نقطه آغاز انحراف امت از مسیر امامت و ولایت راستین است. نخستین و مهم‌ترین اثر این تهاجم، تغییر مسیر جامعه اسلامی از خط هدایت الهی بود. هنوز هم آثار شوم آن را می‌توان در جهان اسلام و کج‌راهگی‌های امروز دید. بازنگری فاطمیه یعنی بازگرداندن نگاه به ریشه‌های حقیقی واقعه کربلا و عبرت از اشتباهات امت در نقطه مهم تاریخی.

کلید تغییر مسیر آینده‌امت اسلامی

در بازخوانی فاطمیه، سه مفهوم «ظالم»، «مظلوم» و «منظلم» برجسته می‌شود. ظالم معنایی روشن دارد، اما مظلوم بودن در فرهنگ اهل بیت(ع)، افتخار و عزت است و معنای خاصی دارد، یعنی کسی که تا پایان، مقابل ظلم مقاومت می‌کند؛ البته اگر کسی به راحتی تسلیم ظلم شود و ظلم را بپذیرد، این رفتار نکوهیده است و مفهوم سوم در اینجا به وجود می‌آید، مفهوم «منظلم» در حالتی پدید می‌آید که بیشتر مردم به دلیل نبود بصیرت و تعهد کافی، در صحنه حاضر نمی‌شوند و زمینه ظهور ظلم و ایجاد مظلومیت بزرگ را فراهم می‌سازند. این قاعده همیشگی تاریخ است: هرچنان‌فعال و بی تفاوتی مردم باشد، زمینه پرورش ظالم و تولید مظلوم جدید، فراهم می‌شود. فهم این قانون، کلید تغییر مسیر آینده امت اسلامی است.

میراث معنوی فاطمیه

در نگاه عمیق‌تر، فاطمیه درس بزرگ ولایت‌مداری را به نمایش گذاشت. قهرمان اصلی این واقعه، نقش محوری در یاری مظلوم و دفاع از ولایت پرعه‌ده گرفت و به الگویی بی‌همتا بدل شد. حضور او در صحنه، نه از باب یک رابطه خانوادگی، بلکه برخاسته از دغدغه دفاع از اصل امامت و حفاظت از مسیر هدایت بود. حتی اگر قاعده خانوادگی خلافت را اقتضا می‌کرد، ضرورت دین و دفاع از ولایت، مهم‌تر و مقدم‌تر بود. این همان مفهومی است که هر ساله باید به عنوان میراث معنوی فاطمیه بازشناسی شود.

غربت حقیقی دین و راه هدایت

هرچه به روزهای پایانی زندگی آن شخصیت بزرگ نزدیک می‌شویم، غم و اندوه خانواده رسالت و اهل بیت(ع) تشدید می‌شود. این ایام نه فقط یادآور مظلومیت و غربت، بلکه یادآور غربت حقیقی دین و راه هدایت در طول تاریخ است. القاب و صفاتی چون «شهیده»، «مظلومه»، «راضیه» و «المغصوبه حقها» که در زیارات ذکر می‌شود، همگی ناظر به عمق واقعه و عظمت ازدست‌رفته هستند، رویدادی که تا امروز هم ناشناخته مانده است و هر سال باید با نگاهی جدید به آن توجه شود.

فاطمیه: پیام بیداری برای امروز و دعا برای فرج

در پایان بازخوانی فاطمیه، عبرت‌ها و پیام‌هایی نهفته است که تنها مختص گذشته نیست. امروز نیز هر جا امت در برابر ظلم، بی تفاوت باشد یا به هدایت و ولایت بی‌توجه بماند، تاریخ تکرار خواهد شد، از این رو دعا برای ظهور منجی و درخواست توفیق در راه ولایت و ظلم‌ستیزی، اهمیتی همه‌جانبه دارد. باید ایمان داشت که مقاومت، بصیرت و وفاداری به خط ولایت، راه رهایی و سرافرازی امت خواهد بود.

نتیجه بی بصیرتی و تعهد نداشتن

یکی از دلایل اساسی شکل‌گیری فاجعه فاطمیه، غفلت مردم از بصیرت و تعهد بود. جامعه‌ای که به لحاظ فکری دچار عدم تشخیص زمانه می‌شود و از نظر عملی به آرمان‌ها و رهبرش وفادار نمی‌ماند، نه تنها خود را از مسیر هدایت منحرف می‌سازد، بلکه بزرگ‌ترین ظلم‌ها را رقم می‌زند. نتیجه این بی‌مسئولیتی، مظلومیت نیکان و «منظلم» شدن ملت است؛ درسی که امروز نیز برای مسلمانان و ملت‌ها مصداق دارد و باید همواره به عنوان یک عبرت بزرگ، محل توجه قرار گیرد.

خطبه نماز جمعه

فاطمه(س)؛ آغازگر انقلاب هویتی زن در تاریخ

هویت انسانی و دینی بود. این است معنای نگاه هویتی به زن؛ زنی که نه ابزار عاطفه و نمایش، بلکه محور عقلانیت، غیرت و ایستادگی است.

● الگوی زن بیدارگر

خط فکری فاطمه(س) از در نیم‌سوخته خانه‌اش آغاز شد و در قتلگاه کربلا به اوج رسید، خطی که زن را از «موجودی دیده‌شده» به «موجودی بیدارکننده» تبدیل کرد.

زن در مکتب فاطمه(س) نه در خلوت خانه محبوس است و نه در میدان نمایش عریان، بلکه در مرکز هدایت و روشنگری ایستاده است.

این است راز ماندگاری فاطمه(س)، بانویی که با عفاف خود، دیوار جنسیت را شکست و با شجاعتش، پرچم هویت زن مؤمن را در تاریخ برافراشت.

برگرفته از خطبه‌های نماز جمعه مشهد
تتظلم: حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

نمایشگری بدن، استفاده تبلیغاتی از زنان و ترویج بی‌حجابی برای جلب نگاه مردانه، همه نشانه‌های همان نگاه کهنه است. اسلام برای پاسداری از کرامت زن، حجاب را مطرح کرد تا او را از نگاه جنسیتی مصون سازد. بی‌حجابی در حقیقت، بازتولید همان نگاه تحقیرآمیز است؛ زیرا زنی که بدن خود را در معرض نگاه دیگران قرار می‌دهد، عملاً خویش را به یک «عنصر جنسیتی» تقلیل می‌دهد. این بزرگ‌ترین ظلم به زن است که خود، عامل نگاه ابزاری به خویش شود.

حضرت زهرا(س) در گفتار و رفتار خودشان، علل این دو نگاه را از هم جدا و نگاه هویتی را در بالاترین سطح، تثبیت کردند.

در روایات است که ایشان در موضع عفاف، حتی در برابر مرد نابینا، حیا به خرج می‌دهند.

اما همین بانوی عفیفه، آن‌گاه که پای «دفاع از حق و حقیقت» به میان آمد، در خانه نشست. در مسجد پیامبر، درمیان مردان، باصلاّت سخن گفت و خطبه فدیکه را خواند، چون آنجا عرصه دفاع از

زننده به‌گور کردم،» این جنایت، نتیجه همان نگاه جنسیتی به زن بود. اما اسلام آمد تا این نگاه را بشکند. قرآن و سیره نبوی، زن را یک «انسان کامل» معرفی کردند؛ موجودی که همان‌قدر استعداد، اندیشه و فضیلت دارد که مرد دارد. اگر مرد در میدان نبرد و کارهای خشن نیرومند است، زن در مدیریت عاطفی، تربیت و پرورش، برجسته‌تر است. خداوند استعداد‌های زن را در وجود او به ودیعه گذاشت تا در فضای امن و سالم اجتماعی، در میدان علم، مدیریت و تربیت بدرخشد.

● تثبیت نگاه هویتی به زن

نگاه هویتی به زن یعنی درک او به عنوان یک «انسان کامل با توانمندی‌های متفاوت»؛ نه به عنوان ابزاری در خدمت نگاه‌های نفسانی. در برابر این، نگاه جنسیتی زن را تا سطح «وسيله» پایین می‌آورد. تاریخ پر از مصادیق ستم بر زن به سبب همین نگاه است و متأسفانه تمدن غرب با همه ادعای آزادی، همچنان زن را در قالب جنسیت، تعریف می‌کند.

در سبزه پرهیزکاری